

ارزشیابی آموزش ارزش‌ها با محوریت اصول ارزش‌شناسی در کتاب در آمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی

زهرا ابوالحسنی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارزشیابی آموزش ارزش‌ها با محوریت اصول آموزش ارزش‌ها در کتاب در آمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی در دوره متوسطه اول بود. مطالعه به روش کیفی بوده است و از روش ارزشیابی «خبرگی و نقادی تربیتی» ارائه شده توسط «آیزنر» بهره‌گیری و سه مرحله توصیف، تفسیر و ارزشیابی را دربرگرفته است. برای انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. فرایند گردآوری و تحلیل داده با انتخاب یک مدرسه متوسطه اول دخترانه در شهرستان بهارستان آغاز شد. داده‌های پژوهش طی یک دوره چهار ماه و در طی ۴۰ جلسه مشاهده فضای فیزیکی و محیط آموزش و کلاس درس معلمان و همچنین در نتیجه مصاحبه با ۱۲ معلم از رشته‌های متفاوت و ۵۰ دانش‌آموز گردآوری شد. نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که بین وضع موجود و روش‌هایی که از مبانی و اصول ارزش‌های عمیقی حاکم است.

کلمات کلیدی: آموزش ارزش‌ها، ارزشیابی، خبرگی و نقادی، دانش‌آموز، فلسفه اسلامی.

^۱ دانشجوی دکتری دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران،

ایمیل: z.abolhsani66@yahoo.com

مقدمه

ارتقای ارزش‌ها در جامعه از جمله آرمان‌های بزرگ و دیرپای بشری در طول تاریخ و مورد توجه مکاتب گوناگون بشری و الهی بوده است. این امر به ویژه در دوران معاصر اهمیتی مضاعف می‌یابد؛ چرا که گسترش فناوری‌های علمی و غرق شدن انسان در امور مادی و احساس بی‌نیازی او از ارزش، زمینه را برای افزایش کجروی‌ها و ناهنجاری‌های ارزشی و اخلاقی افزایش می‌دهد، این وضعیت بویژه در کشور ما که از مبانی قدرتمند دینی و تمدن اصیل فرهنگی برخوردار است نگرانی مضاعفی را ایجاد می‌کند (وجدانی، ایمانی، اکبریان و صادق زاده، ۱۳۹۲). مسئله اساسی این است که در دهه‌های اخیر با وجود تلاش‌های فراوان و توسعه مباحث ارزشی و اخلاقی نظام‌های تربیتی در سراسر جهان انحرافات اخلاقی گوناگونی بویژه بین نوجوانان و جوانان رو به افزایش، است. همچنین رفتار نسل جوان ما نشان می‌دهد که با اشکالات فراوان در این زمینه روبه رو هستیم (حسنی، ۱۳۸۲).

تعلیم و تربیت دانشی کاربردی و بین‌رشته‌ای است که در درجه اول با ملاحظات اخلاقی فلسفی مربوط به طبیعت انسانی ارتباط تناتنگ دارد. ملاحظات فلسفی بخصوص در حوزه ارزش‌ها می‌تواند به ما در تصمیم‌گیری درباره مسائل تربیتی نقش مهمی ایفا کند (نوری و مهرمحمدی، ۱۳۹۲، به نقل از خالقی و ملکی، ۱۳۹۳)، بدیهی است در این میان، یکی از نهادهایی که بیشترین تاثیر را بر آموزش و ترویج ارزش‌های اخلاقی به دانش‌آموزان دارد، مدرسه است. بخصوص اینکه جمهوری اسلامی ایران به دوره دبیرستان، اهمیت ویژه‌ای داده می‌شود؛ زیرا مراحل اولیه رشد و تکوین شخصیت در دوران نوجوانی تثبیت شده و گاهی برای تمام طول عمر پایدار می‌ماند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۰).

رسالت اساسی تعلیم و تربیت نیز ایجاد بستر مناسب رشد ارزش‌هاست. از اینرو نهاد تعلیم و تربیت مهمترین نهاد هر اجتماع است که باید موجبات اعتلا و اقتدار فرهنگی و سیاسی هر کشور را فراهم آورد (نلر، ۱۳۷۷). باید توجه داشت که تربیت براساس روش‌های تربیتی برگرفته از ارزش‌شناسی اسلامی از مهمترین ساحت‌های تربیتی است که به

منظور ایجاد شناخت و برانگیختن احساس جهت تضعیف و اجتناب از رذایل و مراقبت و پرورش هماهنگ فضایل، در راستای ملکه شدن در عمق وجود انسان می‌باشد. بنابراین در پرورش دانش‌آموزان در جمهوری اسلامی ایران باید از ارزش‌های اسلامی مختص جمهوری اسلامی ایران بهره گرفت. زیرا نادیده گرفتن ارزش‌ها باعث می‌شود تا بخش مهمی از ارزش‌های والای انسانی که موجبات تعالی معنوی و روحی انسان را فراهم می‌آورد به فراموشی سپرده شود (بناهان، ۱۳۹۴).

در مطالعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) طی پیمایشی درباره آینده وضعیت اخلاقی جامعه به این نتیجه دست یافتند که در پنج سال آینده، رواج صفات منفی بیشتر خواهد شد و تنها ۱۵٫۷ درصد پاسخ‌گویان به رواج صفات خوب اخلاقی در آینده معتقد بودند (ملکی و حکیم زاده، ۱۳۹۳). علاوه بر این به نظر می‌رسد، بیشتر برخوردهایی که در مدارس بین دانش‌آموزان و نیز دانش‌آموز با معلمان پیش می‌آید، ناشی از آن است ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی آنچنان که باید و شاید در وجود دانش‌آموزان نهادینه نشده است. امروزه گله و شکایت معلمان و والدین از دانش‌آموزان را می‌توان به عنوان شواهدی از ضعیف شدن ارزش‌های اخلاقی دانست (مهدوی و زارعی، ۱۳۹۰). همچنین بسیاری از معلمان و مدیران معتقدند رفتارهایی مانند تقلب، دروغ‌گویی، بی‌اعتنایی به مقررات، خشونت و پرخاشگری در بسیاری از مدارس ما مشاهده می‌شود (ملکی پور و حکیم زاده، ۱۳۹۳). موارد ذکر شده شواهدی است که نشان می‌دهد دانش‌آموزان از ضعف در حوزه ارزش‌ها برخوردار هستند و این ممکن است از روش‌هایی که معلمان که بعنوان عنصر اساسی در تربیت ارزشی دانش‌آموزان هستند ناشی شود؛ البته این مورد نیاز به بررسی و نوعی ارزشیابی دارد تا مشکل اساسی در حوزه روش‌های تربیتی ارزشی در مدارس مشخص شود.

در تاکید به موارد مطرح شده نقدی و تولایی (۱۳۹۱)، اظهار داشته‌اند که مشاهده‌ها در محیط مدارس نشان می‌دهد موقعیت کنونی مانع رعایت اصول اخلاقی از جمله صداقت است. شیوع تقلب و دروغ‌گویی در بین دانش‌آموزان کشور، رعایت نکردن حقوق اولیاء مدرسه و قوانین نشان دهنده وضعیت بحرانی در پرورش اخلاقی نونهالان و جوانان است.

از طرف دیگر تحقیر و توبیخ‌های غیر منصفانه دانش‌آموزان و رعایت نکردن اخلاق شغلی، نشانه تضعیف اصول اخلاقی است.

به نظر می‌رسد بخشی از کاستی‌های برنامه‌های تربیت اخلاقی جامعه در اخلاق‌مند شدن کم توجهی به نقش روش‌های تربیتی ارزش‌شناسی اسلامی است. امروزه ارزش‌ها به عنوان موضوعی مهم و تعالی بخش، یکی از مباحث اساسی تعلیم و تربیت هر جامعه است. برای روشن شدن ارزش‌ها و روش‌های تربیتی ابتدا مفهوم ارزش بررسی می‌شود. از نظر لغوی ارزش به معنای بها، قیمت، ارج، قدر، برازندگی، شایستگی، زیندگی، قابلیت و استحقاق آمده است. به باور لیندزی، ارزش مفهومی است که نشان دهنده گرایش‌ها، معیارها نزد افراد در موقعیت‌های مختلف اجتماعی است. ارزش، هدف‌های کلی را در زندگی تعیین می‌کند و در رفتار عملی و لفظی فرد متجلی می‌شود (اکرامی و همکاران، ۱۳۹۰).

در شرایط کنونی رشد سریع علوم، تحقیقات و تکنولوژی موجب تغییر و تحول در برنامه‌های آموزشی شده است، توجه ویژه به اهداف، رسالت‌ها و سیاست‌های آموزشی ضروری به نظر می‌رسد. یکی از راه‌های تحقق اهداف مورد نظر در هر نهاد آموزشی، ارزشیابی آموزشی است که به منظور ارتقای کیفیت آموزش و رسیدن به استانداردهای ملی و بین‌المللی صورت می‌گیرد (موسی پور و بهزاد پور، ۱۳۸۴). از این رو هدف پژوهش حاضر با توجه به اهمیت حیاتی ارزش‌شناسی در تربیت دانش‌آموزان جامعه و وضعیت نهادهای تربیتی توصیف و ارزشیابی آموزشی از روش‌های تربیتی ارزش‌شناسی با توجه به مبانی فلسفه آموزش پرورش جمهوری اسلامی ایران است.

اهمیت ارزش‌شناسی در تربیت دانش‌آموزانی شایسته جامعه اسلامی و وضعیت موجود در تربیت دانش‌آموزان موجب انجام پژوهش‌های روانی گشته است که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره شده است. میر صالحی و شاهدی (۱۳۹۶)، طی پژوهشی با عنوان ((اثر بخشی آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی بر بهبود حالت‌های خلقی و رفتارهای یادگیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی)) به این نتیجه رسیدند که آموزش هوش اخلاقی با ارتقاء روابط بین‌فردی، اجتماع‌پذیری و اثربخشی آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی بر

بهبود حالت‌های خُلقی و رفتارهای یادگیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی، موجب بهبود در حالت‌های خُلقی و رفتارهای یادگیری آن‌ها می‌شود.

فرید (۱۳۹۲)، طی پژوهشی با عنوان بررسی روش‌های آموزش مستقیم، آموزش شناختی اخلاقی، شفاف‌سازی ارزش‌ها و تلفیقی بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان ناحیه چهار تبریز به این نتیجه دست یافت که قبل از اعمال روش‌های آموزشی تفاوت معنی‌داری بین قضاوت‌های اخلاقی گروه‌های مورد مطالعه وجود ندارد. اما اعمال روش‌های آموزشی توانست در سطح قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تفاوت ایجاد کند. از بین روش‌های، آموزش شناختی اخلاقی بیشترین تاثیر را داشت و روش تلفیقی بعد از روش آموزش شناختی دومین روش آموزشی موثر بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قضاوت اخلاقی منحصرآ نتیجه رشد شناختی نیست بلکه از آموزش نیز تاثیر می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش ملکی پور و همکاران (۱۳۹۳)، نشان داد که به‌طور کلی مولفه‌های موثر کردن بر نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در بین دانش‌آموزان شهر دهلران در سطح مطلوبی نیست. همچنین طی پژوهشی دیگر نقدی و تولایی (۱۳۹۱)، طی پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که تقویت هویت مدرسه‌ای و عدم فشار به علت کم بودن نمره و کاهش خشونت، رعایت هنجار انصاف در مدرسه برای تقویت تمایل به رعایت هنجار صداقت بسیار اساسی و موثر است. ربانی و شهابی (۱۳۸۹)، طی پژوهشی با عنوان بررسی ارزش‌های اخلاقی جوانان شهری اصفهان به این نتیجه دست یافت. ارزش‌های اخلاقی از اهمیت زیادی برای جوانان برخوردار نیستند. اکثر شاخص‌های اخلاقی کمتر از حد متوسط هستند. همچنین، بیشتر ارزش‌های اخلاقی کمتر مورد توجه اعضا قرار گرفته یا رعایت می‌شوند. وجود همگنی ارزشی بین جوانان باعث شده خصوصیات زمینه‌ای، شامل: جنسیت، سن، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل و وضعیت اقتصادی بر چگونگی ارزش‌های اخلاقی جوانان تاثیری نداشته باشد.

حسین زاده (۱۳۸۶) طی پژوهشی دیگر به این نتیجه دست یافت که عوامل آسیب‌زا در بعد مدرسه را نیز می‌توان در عدم تقویت تفکر منطقی، عدم آگاهی یا بی‌تفاوتی اولیای مدرسه به مسائل اخلاقی، تنبیه و سخت‌گیری، تاکید بر آموزش صرف، عدم برنامه‌ریزی

مناسب برای اوقات فراغت دانش‌آموزان در جهت پرورش همه‌جانبه اخلاقی جست‌وجو کرد و بناهان (۱۳۹۲)، طی پژوهشی دیگر در تبیین مبانی ارزش‌شناسی سند ملی آموزش و پرورش در رویارویی با بحران اخلاقی به این نتیجه دست یافت که حاصل بحث بیانگر این است که چون مبانی ارزش‌شناختی سند ملی آموزش و پرورش ناظر بر غایت تعالی روحی و معنوی و تکوین کمال وجودی انسان و تحقق حیات طیبه است، توان لازم را برای پیشگیری و اصلاح پارهای از اوضاع مخاطره‌انگیز اخلاقی و ارزشی داراست؛ هرچند توان پیشگیرانه سند ملی آموزش و پرورش در حوزه مخاطرات اخلاقی بیش از توان اصلاح‌گرایانه آن است.

در واقع ((آنچه نوعاً به زندگی تعیین می‌بخشد ارزش‌گذاری و ارزش‌هاست)) (بوخنسکی، ۶۷، به نقل از اکبری، ۱۳۸۸). با نگاهی اجمالی به تحقیقات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که اسناد بالادستی مانند سند ملی آموزش و پرورش ظرفیت مواجهه با مخاطرات ارزش‌ها را دارا می‌باشد. همچنین می‌توان از نتایج تحقیقات پیشین دریافت که وضعیت دانش‌آموزان کشور از لحاظ آموزش و رعایت نکات ارزشی بسیار ضعیف می‌باشند و این در حالی است که آموزش‌هایی به شیوه‌های متناسب با ارزش‌های فلسفه تربیتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند اثر مثبتی بر روی آموزش ارزش برای دانش‌آموزان داشته باشد. برای نوشتار حاضر با توجه به اینکه منبع مختص برای فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران تا به اکنون تدوین نگردیده است. لذا کتاب درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (باقری، ۱۳۸۹)، مد نظر قرار داده شد. لیکن با توجه به جایگاه ارزشمند مولفه اصول ارزش‌شناسی؛ نوشتار حاضر با هدف شناسایی و توصیف و تفسیر و استنباط برخی ابعاد ناشناخته روش‌های تربیتی ارزش‌شناسی با توجه به مبانی و اصول ارزش‌شناسی فلسفه جمهوری اسلامی ایران در صدد پاسخگویی به سوال زیر است:

وضعیت آموزش ارزش‌ها براساس مبانی و اصول ارزش‌شناسی فلسفه جمهوری اسلامی ایران در دوره متوسطه اول چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف یک پژوهش ارزشیابی است که با بهره‌گیری از روش خبرگی و نقادی انجام شده است. نقادی تربیتی یکی از اشکال پژوهش کیفی است که برای نخستین بار الیوت آیزنر (۱۹۷۶)^۱، در مجله تربیت زیبایی شناختی به معرفی آن پرداخت. این روش بر دو عنصر اساسی خبرگی و نقادی مبتنی می‌باشد. در حالی که مفهوم خبرگی به توانمندی درک کیفیت‌های ناآشکار و مهم پدیده‌های تربیتی اشاره دارد، نقادی ابزار یا وسیله آشکار یا افشا ساختن درکی است که به سبب خبرگی بدست آمده است (آیزنر، ۱۹۸۵، به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۹۱). بنابراین، نقد تربیتی در وهله نخست مستلزم دستیابی به درجه‌ای از خبرگی است، که برای درک کیفیت‌های ناآشکار و مبهم ضروری است. اما در وهله دوم نیازمند توانمندی ترسیم تصویری هنرمندانه از جنبه‌های تجربه شده با بهره‌گیری از اشکال گوناگون بازنمایی است. از اینرو، نقد معتبر نیازمند توانایی بهره‌مندی از قدرت خبرگی است. تجربه تخصصی و عملی پژوهشگر این مطالعه به اندازه‌ای است که می‌توان او را در این زمینه فردی، خبره تلقی کرد که توانمندی بهره‌گیری از الگوی نقادی تربیتی را برخوردار بوده است. پژوهشگر یک متخصص مطالعات برنامه درسی و همچنین دبیر دوره متوسطه اول است که علاوه بر داشتن اطلاع لازم از نحوه پژوهش؛ از ارتباط مستمر و پیوسته با مدارس نیز برخوردار می‌باشد. همچنین باید خاطر نشان کرد که به اعتقاد آیزنر هر کس که با مدرسه و نظام مدرسه‌ای آشنا باشد تا حدودی می‌تواند یک خبره تربیتی به شمار آید و از اینرو می‌تواند خود را به جایگاه یک نقاد تربیتی ارتقا دهد (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

برای انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند راهبردی است که شرکت‌کنندگان در پژوهش را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای خصوصیات مورد نظر در حیطه پژوهش را دارا باشند. فرض اساسی این نمونه‌گیری آن است که نمونه‌ها از میان دو گروه مرتبط با تعلیم تربیت یعنی معلمان که

آموزش‌دهنده هستند و دانش‌آموزان که یادگیرندگان هستند، انتخاب شد. فرایند گردآوری و تحلیل داده با انتخاب یک مدرسه متوسطه اول دخترانه در شهرستان بهارستان به نام نیایش آغاز شد. لازم به ذکر می‌باشد که به علت دسترسی پژوهشگر به شهرستان بهارستان این شهر انتخاب شد و برای داده کاوی عمیق از شیوه مطالعه موردی از یک مدرسه در دسترس استفاده شد. داده‌های پژوهش طی یک دوره چهار ماه و در طی ۴۰ جلسه مشاهده فضای فیزیکی و محیط آموزش و کلاس درس معلمان و همچنین در نتیجه مصاحبه با ۱۲ معلم از رشته‌های متفاوت و ۵۰ دانش‌آموز در پایه های هشتم و نهم گردآوری شد. ابزار گردآوری داده در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۸ سوال است که سوال‌ها برگرفته از اصول ارزش‌شناسی از کتاب در آمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران جلد اول (باقری، ۱۳۸۹)، می‌باشد. این اصول ارزش‌شناسی عبارتند از: اعتباریابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها، درک سلسله مراتبی از ارزش‌ها، مهارت و اخلاق حرفه‌ای، حفظ و ارتقای کرامت، تامین آزاد منشی، برقراری عدالت تربیتی، فضل، اعتلای ذائقه زیبایی (باقری، ۱۳۸۹).

آیزنر دو معیار برای تعیین و تشخیص میزان اعتبار پژوهش‌هایی با روش نقادی تربیتی با عنوان یکپارچگی ساختاری و کفایت مرجعی معرفی می‌کند (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱). جهت استحکام ساختاری در مطالعه حاضر از اشکال گوناگون و متنوع مانند مشاهده، مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است تا تصویری یکپارچه و منسجم از روش‌های تربیتی مربوط به اصول ارزش‌شناختی که در مدرسه برای دانش‌آموزان رخ می‌دهد؛ به خواننده ارائه گردد. این ویژگی‌ها بیانگر آن است که یافته‌های مطالعه از یکپارچگی ساختاری کافی برخوردار است. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان این پژوهش افرادی با جایگاه‌های متفاوت، یعنی دانش‌آموزان و معلمان مدارس بودند که هر کدام با تخصص و تجربه‌ای متفاوت در زمینه آموزش و بهره‌گیری از آموزش ارزش‌ها؛ به بیان دیدگاه‌های خود در مورد جایگاه کنونی روش‌های تربیتی ارزش‌شناسی پرداختند. دیدگاه‌های این افراد به صورت نقل قول مستقیم در پژوهش ارجاع داده شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مطالعه حاضر به شناسایی مجموعه‌ای از مفاهیم و بینش‌ها درباره آموزش ارزش‌ها منجر شده‌است. این مفاهیم و بینش‌ها در سه بخش توصیف، تفسیر و ارزشیابی آموزش ارزش‌ها در مدرسه پرداخته شده‌است.

توصیف

دبیرستان دخترانه‌ای در یکی از شهرستان‌های اطراف تهران با قدمتی بسیار که دیوارهای درونی و برونی آن با تصویر و جملات ارزشی آذین شده‌است و حفاظ‌های آن همچون نيزه بر سر دیوارها نمایان است. پس از ورود به داخل مدرسه حیاطی بزرگ دیده می‌شود که گوشه‌ای از آن را مدیر خوش ذوق به تازه‌گی آبنما و باغچه و نیمکت‌هایی برای زیبایی و نشستن دانش‌آموزان فراهم نموده‌است. در سمتی دیگر اتاقک کوچکی دیده می‌شود که به عنوان بوفه استفاده می‌شود که در زنگ‌های تفریح جمعیت زیادی از دانش‌آموزان به سمت آن هجوم می‌برند و دانش‌آموزان بزرگتر و قوی‌تر زودتر به خرید و خوراکی خود دست پیدا می‌کنند.

برای وارد شدن به داخل ساختمان از تعدادی پله بالا می‌رویم تا به درب ورودی اصلی برسیم گویی بالا آمدن از پله‌ها نوید بالا آمدن سطح علمی را به دانش‌آموز می‌دهد. زمانی که مدیر و معاون نیز صحبت مهمی دارند از بالا بالاها با دانش‌آموز صحبت می‌کنند و نگاه از بالا به پایین را به دانش‌آموزان القاء می‌کند. داخل سالن مدرسه دیوارهایی منقش به تصاویر چشم‌اندازی از سبزه و باغ و بردهایی که حاوی کارهای دانش‌آموزان و پیام‌های مشاوره‌ای و ارزشی که باید دانش‌آموز آنها را رعایت کند دیده می‌شود. جالب است که دانش‌آموزان به این بردها و پیام‌های آن اکثراً توجهی نمی‌کردند گویی که نیست. نمازخانه‌ای متوسط در گوشه‌ای از حیاط خودنمایی می‌کند. مراسم‌ها از جمله عزاداری‌ها و جشن‌های پرورشی در نمازخانه برگزار می‌شود و به علت جلوگیری از بی‌انضباطی و شلوغی تعداد محدودی از کلاس‌ها حدوداً ۴ کلاس در مراسم می‌توانند شرکت کنند و همواره حسرت بودن در مراسم برای سایر کلاس‌ها وجود داشت.

این واحد آموزشی یک طبقه همکف و طبقه اول و داری زیرزمینی تاریک و نمودار است. برای زیباتر شدن آن درهای کلاس منقش به تصاویری است که یکی از دانش‌آموزان هنرمند مدرسه هنر خود را به نمایش گذاشته‌است. سپس وارد کلاس‌ها می‌شویم سه ردیف هفت‌تایی نیمکت که به صورت سنتی چیده شده‌است و تخته وایت بردهایی که یکسال از عمر آن می‌گذرد و میز آهنی پیچ شده به زمین برای معلم که در راس کلاس است. پرده‌هایی که انگار کسی (نه دانش‌آموزان به عنوان استفاده‌کننده و نه کادر اجرایی مدرسه) به مرتب آویختن آن توجهی نشان نمی‌دهند. گوشه‌ی هر کلاس سطل زباله‌ای نمایان است که زباله‌ها درون و بیرون از سطل خود نمایی می‌کند. اتاق دبیران این واحد آموزشی همراه با تصاویر سبزه زار تعدادی تابلو وجود داشت که توجه را به خود جلب می‌نمود از جمله اخلاق حرفه‌ای معلم، حجاب و عفاف، الگوهای فعال تدریس، هدف‌های آموزشی و پرورشی دوره متوسطه اول. در گوشه‌ای از دفتر آرشویی از مجلات آموزشی وجود داشت. نکته جالب توجه آن بود که معلمان در زمان ورود به دفتر آنقدر خسته بودند یا کارهای آموزشی به عهده داشتند و زمان کوتاه زنگ‌های تفریح مانع از استفاده و مطالعه آنها می‌شد. در ادامه توصیف معلمان و دانش‌آموزان با توجه به اصول ارزش‌شناسی به رشته تحریر در آمده‌است.

اصل ۱: اعتباریابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها

برخی از برنامه‌های درسی بر روی ارزشی خاص تاکید می‌کنند. معلمان نیز هماهنگ با آن برنامه درسی، ارزش‌القائه شده در برنامه درسی را با استفاده از روش‌هایی که در آن توانمند بودند. آن ارزش را برای دانش‌آموزان تشریح می‌کردند و سعی در نهادینه سازی ارزش در دانش‌آموز می‌نمودند. بهره‌گیری از روش قصه‌گویی و بیان تجربیات زیسته خود و مثال و سخنرانی در میان روش‌های آموزش معلمان خودنمایی می‌نمود. معلم اجتماعی بیان نمود: ((با توجه به درس اجتماعی که داریم برای بچه‌ها مثال می‌زنیم یا از تصاویر استفاده می‌کنیم یا خودشان تعریف می‌کنند: بله خانم دختره رفته ختم و قرمز پوشیده و ...)) و دانش‌آموزان نیز می‌گفتند: ((کلا معلم دینی بیشتر از بقیه روی حجاب و دین و

نماز تاکید می‌کند. ولی بعضی موقع‌ها هم بقیه دبیرها مثل خانم ریاضی می‌گفت سرکوجه نیستید خیلی روی ما تاثیر می‌گذاشت و حتی عبرت‌ها و زندگی معلم‌ها خیلی جالب و اثر گذار است. موقعیت برخی درس‌های پایه نیز با حجم زیادی از محتوا فرصتی برای آموزش ارزش ندارند. بعنوان مثال معلم علوم بیان کرد: ((لابلای درس‌ها اگر زمانش پیش بیاید با شوخی به آن‌ها آموزش می‌دهم)). دانش‌آموزان نیز می‌گفتند: ((یکی که حجابش خوبه بعد میاد می‌گه به چه موقعیت‌های رسیده خیلی روی ما تاثیر دارد)). در جایی دیگر بیان داشتند که: ((ارزش‌ها رو با قصه و داستان‌هایی که خودتون شنیدن تعریف می‌کنند)).

اصل ۲: درک سلسله مراتبی از ارزش‌ها

سلسله مراتب دادن در آموزش‌های معلمان در کلاس‌ها به ندرت دیده می‌شد. معلمی بیان کرد: ((زمانی وجود ندارد که مراتب را توضیح دهم اصلا به این موضوع اهمیت نمی‌دهم)). معلم سبک زندگی با توجه به نوع درس سبک زندگی تا حدودی مراتب را آموزش می‌داد و این آموزش سلسله مراتب باز بستگی به معلمی دارد که این درس را آموزش می‌دهد بعنوان مثال معلمی اظهار داشت: ((درجه‌بندی و اولویت‌بندی بستگی به اون مساله‌ای که دانش‌آموز بیان می‌کند؛ دارد)) و دانش‌آموزان می‌گفتند: ((اون چیزی که معلم می‌گه را گوش می‌کنیم و آخر خودمون مرتب می‌کنیم)) یا ((مثلا توی درس‌های دینی خیلی روی نماز و حجاب تاکید می‌کنند)) و ((من با توجه به ارزش‌های خانوادگی ام اولویت بندی می‌کنم)). در واقع معلمان بصورت آگاهانه سلسله مراتب را به دانش‌آموزان آموزش نمی‌دادند بلکه برخی معلم‌ها با تاکید کردن بر موضوعی مشخص ارزش‌های دارای اولویت را بصورت ضمنی مشخص می‌کردند.

اصل ۳: مهارت و اخلاق حرفه‌ای

تقریباً می‌توان اظهار داشت تمامی معلمان سعی می‌کنند تا معیارهای اخلاق حرفه‌ای را رعایت کنند. معلمان در این زمینه بیان نمودند: ((اصول اخلاق حرفه‌ای را رعایت می‌کنم تا بچه‌ها قبول کنند. اما حس می‌کنم دانش روزم در این حیطه کم است)). گاهی به دلیل

مشکلات اقتصادی و فشارهایی که از ناحیه‌های متفاوت بر معلم اعمال می‌شود؛ معلمان توان حفظ اخلاق حرفه‌ای خود را از دست می‌دهند. از جمله بخشنامه‌های نمایشی که فقط وقت معلم و دانش‌آموز را صرف خود کرده و هیچ نتیجه‌ی آموزشی و پرورشی را همراه خود به ارمغان نمی‌آورند. در این حالت معلم مدام از جانب مدیر تحت فشارهای متفاوت است. مدیر اعلام می‌دارد که دانش‌آموز باید بتواند رتبه‌ای کسب کند اگر نه ایراد از کارمعلم است. همه این موارد باعث می‌شود که مدام معلمان در استرس و ترس باشند. زیرا که اگر مقام و رتبه بدست نیاورند صلاحیت حرفه‌ای معلمان زیر سوال می‌رود. در این زمان است که نتیجه فشار و استرس بر اعمال و گفتار معلم نمایان می‌شود و نتیجه آن را دانش‌آموزان اینگونه بیان می‌کنند: ((وقتی ناراحتن میان ناراحتی شونو سر ما خالی می‌کنن و همینجور منفی میدن)).

اصل ۴: حفظ و ارتقای کرامت انسانی

در این قسمت نیز معلمان تلاش خود را بر دیدن اتفاقات شایسته و ارتقاء آن در کلاس می‌گذارند اما تصویرهای ذهنی که از دانش‌آموزان در ذهن خود دارند همه در شکل‌گیری دید معلمان نسبت به دانش‌آموزان تاثیر دارد اما این تاثیر به صورت ضمنی است نه اینکه معلمان بصورت آگاهانه بخواهند خوبی و کار نیک دانش‌آموز را نبینند. بر همین اساس معلمان بیان نمودند: ((سعی می‌کنم خوبی دانش‌آموزان را با تشویق‌های زبانی افزایش دهم. تو دختر خوبی هستی حیفه درس نخونی یا صد در صد با تشویق‌های زبانی و نمره‌ای خوبی دانش‌آموزان را ارتقاء می‌دهم می‌گویم اگر ۱۸ بشی اما انضباطتون خوب باشه بهتون ۲۰ می‌دهم))؛ به زمان‌هایی نیز ((بدی هاشونو مثل تقلب و ناسزاگویی دانش‌آموزان رو ندیده می‌گیرم)). در راستای تایید حرف معلمان دانش‌آموزان نیز بیان نمودند: ((شاید بدی‌هامون را ببینند اما به روی ما نمی‌آورند تا شاید ما اونو اصلاح کنیم یا خیلی زیاد خوبی‌هامون را ببینند زیرا اگه به بدی ببینند بخاطر خوبی‌ها ندیده می‌گیرند)). بعضی از دانش‌آموزان نیز در مصاحبه‌ها می‌گفتند: ((خیلی کم خوبی‌ها رو می‌بینند و بیشتر بدی‌ها را می‌بینند. یکی

اومد کنفرانس داد اما چون درسش ضعیف بود و نگاه بد بودن به او داشت نمره کم گرفت)).

اصل ۵: تامین آزاد منشی

در این بخش آزاد منشی به معنای آزادی در مقابل وابستگی‌ها و ترک وابستگی‌ها مد نظر قرار داده شد. به این مفهوم که فردی دارای روحیه آزاد منشی می‌باشد که بتواند داشته‌های خود را از قبیل داشته‌های مادی یا غیر مادی مانند علم را به دیگران ببخشد و یا بتواند از این وابستگی‌های دنیوی خود را برهاند. لذا در این زمینه معلمان و دانش‌آموزان متفق القول بیان نمودند وابستگی‌ها بیشتر مختص به دوره ابتدایی است. معلمی بیان نمود: ((وابستگی برای دوره ابتدایی است. منتهی در زمان برگه دادن به بچه‌ها می‌گویم برگه به دوستانی که ندارند، بدهید تا دل بخشش پیدا کنید)) و گاهی هم خانواده‌ها باعث وابستگی‌ها و عدم آزاد منشی می‌شوند بطور مثال معلمی دیگر بیان نمود: ((یکی از آموزش‌ها کار گروهی است اما بچه‌ها از آن اجتناب می‌کنند، به دلیل آنکه اولیاء آن‌ها می‌گن نمی‌خواهد یاد بدی وقت میره. همون وقت رو بذاری برای خودت نمرهات بهتر می‌شود)). دانش‌آموزان نیز بیان نمودند: ((ما رابطه‌ها مون به جوریه که هر کاری برای همدیگه انجام می‌دهیم)) یا یک دانش‌آموز دیگر اینگونه بیان نمود که: ((یکبار عینکم را نیآورده بودم گفتم چشم‌هام نمی‌بینه کسی هست بیاد عقب بعد من برم جاش، یکی از دانش‌آموزها که خیلی هم با او راحت نبودم جاشو به من داد و معلم بخاطر این کار نیک مثبت داد)). بعضی دانش‌آموزان دیگر نظر متفاوتی دارند که اینگونه نظر خودشون را بیان کردند: ((به هیچ کس هیچی نمی‌دیم چرا اون زحمت نکشیده بیاد اندازه ما نمره بگیره)) یا ((همه چیز به هم می‌دهیم شاید به روزم ما احتیاج داشته باشیم. اما معلمون گفت حالا که نیآورده حق نداره بهش کمک کنید بره بیرون تا دفعه بعدی یادش باشه این کار را نکند)).

اصل ۶: برقراری عدالت تربیتی

مشاهدات در حوزه عدالت حاکی از نبود معیار صحیحی برای دانش‌آموز و معلم بود به گونه‌ای که هر کدام از آن دو تصور می‌کردند آن‌ها بر حق هستند و این آن‌ها هستند که کار درست را انجام می‌دهند؛ اما زمانی که در جایگاه شاگرد محیط مشاهده شد؛ عدم رعایت عدالت در حق آن‌ها جلوه‌گر می‌شد و در جایگاه معلم نیز به گونه‌ای دیگر بی‌عدالتی‌ها رخ می‌نمود. معلمی بیان کرد: «(تو نگاه کردن و سوال شفاهی عدالت را رعایت می‌کنم و از دانش‌آموز زرننگ سخت سوال می‌کنم. ولی تکلیف را یکسان می‌دهم)» و «(تو نگاه کردن ممکنه حواسم نباشه اما در نمره و مشق و خواندن از روی کتاب همه یکسان هستند)». اما توجه معلمان به ضعیف و قوی بودن یعنی به ضعیف یک دنیا تکلیف جریمه‌های پی در پی، رو نویسی‌های بی فایده بود که همین مورد موجب تنفر بیشتر دانش‌آموز از آن درس و معلم می‌شد.

دانش‌آموزان نیز اینگونه بیان کردند که: «(خانم X بعضی وقت‌ها خیلی بد آدمو نگاه می‌کنه دل آدم می‌شکنه)» و حتی به آنها نیز تلقین شده بود تکلیف بیشتر برای ضعیفان عین عدالت است و می‌گفتند: «(تو تکلیف عدالت رعایت می‌کنند. به زرننگها کمتر و به ضعیف‌ها بیشتر تکلیف داده می‌شود)» و «(آدم رو مجبور می‌کنند فقط رونویسی کنه چرا ما رو مجبور می‌کنند مثل بچه ابتدایی بشینیم از رو درس بنویسیم)». بعضی دیگر اینگونه عدم عدالت را تشریح کردند: وقتی می‌خواهند کلاس شلوغ نشود مجبورند دائم حواسشون به دانش‌آموزان بی انضباط باشد تا مبادا از کلاس صدا بیرون برود و معاون و مدیر علت این سر و صدا را بپرسد و معلم خجالت زده شود و مدیر تصور کند او توانایی کنترل کلاس را ندارد و همین امر باعث شده تا دانش‌آموزان تصور کنند که: «(فکر می‌کنم بین ما فرق نمی‌گذارن اما بیشتر حواسشون به بچه‌های شلوغه)» یا همچنین در نمره دادن نیز زیاد عدالت دیده نشد مثلاً دانش‌آموزان می‌گفتند: «(تو نمره دادن به دانش‌آموزی رو که دید خوبی داره رو بالاتر نمره داد برای کارش اما کار منم مثل اون بود نمره کم داد)» یا «(به دانش‌آموزها اعتماد ندارند مثلاً کسی که همیشه بد می‌شده یک بار که درس می‌خونه

معلم با شک می‌پرسد می‌گه خودت خوندی؟؟؟)). صحبت‌هایی از این قبیل که ((اون دانش‌آموزی که از پارسال می‌شناسند رو بیشتر تحویل می‌گیرند)). رنجی از تفاوت گذاشتن بین دانش‌آموزان فقط به علت زرننگ بودن کاملاً هویدا بود.

اصل ۷: فضل

آری دل دریایی معلمان را در کلاس‌ها می‌شد مشاهده کرد که چه راحت و بی‌بهانه دانش‌آموز خود را می‌بخشید یا با تشویق به هر نوعی سعی در دلگرم کردن دانش‌آموز برای بالا رفتن از پله‌های ترقی را داشت. معلمان نیز فضل خود را اینگونه بیان کردند: ((فضل زیاد دارم نمره مستمر زیاد می‌دم)) یا ((کلا هر حرکت مثبتی ببینم می‌بخشم)) و اندک معلمانی بودند که گفتند: ((یک ذره سخت می‌بخشم)). دانش‌آموزان نیز در تایید مشاهدات و سخنان معلمان گفتند: ((بعضی وقتها که درس نخوندیم می‌ریم پیش معلممون می‌گیم درس نخوندیم قبول می‌کنن و ما هم سعی می‌کنیم هفته بعد جبران کنیم)) یا ((توی مناسب‌ها معلمون همون جور مثبت می‌دن خیلی ما رو خوشحال می‌کنه)).

اصل ۸: اعتلای ذائقه زیبایی

مشاهدات نشان داد معلمان به زیبایی محیط و و زیبایی‌های فردی اهمیت خاصی نشان نمی‌دهند یعنی می‌توان گفت جمعیت و حجم درس‌ها زمانی برای اینکار نمی‌گذارند اما در کارهای کلاسی به این نکته توجه می‌کردند. بطور مثال معلمان می‌گفتند: ((خط خوب، با سلیقه بودن، حاشیه دادن به کار برام مهمه؛ اگه کلاس تمیز باشه بهشون میگم اما به زیبایی فردی اهمیت نمی‌دهم)) یا ((تو پاور می‌گویم افکت‌های زیبا به کار ببرند)) نکته جالب در کلاس‌ها این بود که همه به خط توجه می‌کردند اما دانش‌آموزان از خط خوبی برخوردار نبودند. بعضی‌ها هم فقط انجام شدن کار برایشان اهمیت داشت معلمی نظر خود را اینگونه بیان نمود: ((به نظم بیشتر از زیبایی توجه می‌کنم. کار انجام بشه برام مهمتر تا زیباتر باشه)) و دانش‌آموزان نیز می‌گفتند: ((بیشتر معلمان به تمیز نوشتن اهمیت می‌دهند و اینکه کار رو انجام دهیم نه به زیبایی آن)).

تفسیر

در مرحله دوم نقادی و خبرگی آیزنر، با توجه به آنچه در مرحله اول از مسئله مورد نظر به تصویر کشیده شد. در این مرحله با استفاده از نظریات علمی، داده‌ها را قالب بندی نموده و به این ترتیب داده‌ها از توصیف صرف خارج شده و در چارچوب منطقی و علمی قرار می‌گیرند. لذا با توجه به چگونگی این مرحله لازم است داده‌های احصاء شده در مرحله قبل را مورد واکاوی قرار داد (آیزنر، ۱۹۷۹). در واقع آنچه در مرحله قبل انجام شد شمایی کلی از روش‌های تربیتی معلمان با توجه به اصول ارزش‌شناسی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشت. در ادامه با توجه به اصول ارزش‌شناسی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران به بررسی نظری داده‌ها پرداخته می‌شود.

اصل ۱: اعتباریابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها

این اصل بیانگر این واقعیت است که شناخت بهتر و بیشتر واقعیت‌ها، زمینه لازم برای افراد فراهم می‌آورد و موجب فعال شدن ذهن آن‌ها در جهت ساختن اعتبارهای ارزشی می‌شود. زیرا باتوجه به این اصل نمی‌توان تنها به عرضه وظایف و تکالیف اخلاقی و ارزشی هر چند توسط افراد به عمل در آید، اکتفا نمود. عمل به وظایف، بدون دریافت حکمت آنها، بطور معمول، منجر به تغییرات سطحی در افراد می‌گردد و پایداری آن‌ها نیز به همین دلیل، اندک خواهد بود. باید بررسی شود که دانش آموزان توانسته‌اند به اعتبارهای ذهنی مناسب در خصوص ارزش‌های مورد نظر راه یابند. به این ترتیب فرد به درک عمیق‌تری در مورد ضرورت وظایف اخلاقی و ارزشی نایل می‌شود و به تبع آن استواری بیشتری در رفتار بدست می‌آورند. معیارهای ارزشی را خداوند مشخص می‌کند و برای اعتبار دادن به موارد ارزشی باید به بنیاد خیر و خیر بنیادین که همان خداوند است رجوع کرد (باقری، ۱۳۸۸).

اصل ۲: درک سلسله مراتبی از ارزش‌ها

این اصل به ثبات و تغییر در ارزش‌ها مربوط است. بیانگر قاعده‌ای است که با نظر به آن، باید در آموزش ارزش‌ها، درک سلسله مراتبی از آن‌ها را برای افراد فراهم آورد و

باعث می‌شود گونه‌ای ملایم از تغییر و نسبییت ارزش را فراهم آورد (باقری، ۱۳۸۸). ارزش‌ها در دیدگاه اسلامی منزلت یکسانی ندارد؛ بلکه برخی در همه موقعیت‌ها ثابت است در حالی که برخی دیگر، بنا به مصلحت حفظ ارزش‌های برتر دچار تغییر می‌شود. بر این اساس، در پرورش ارزش‌ها در افراد، ایجاد یک درک سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها مورد نیاز خواهد بود (خالقی نژاد و ملکی، ۱۳۹۳). در این راستا --(اعم از مشروط و مطلق) بسیار مهم جلوه می‌کند (خالقی نژاد و ملکی، ۱۳۹۳). حاصل شناخت دانش‌آموز و توانایی تفکیک ارزش‌ها و شناسایی مقام‌های ارزش‌های فرعی سبب ماندگاری طولانی‌تر ارزش‌ها در رفتار می‌شود.

اصل ۳. مهارت و اخلاق حرفه‌ای

اخلاق حرفه‌ای بر مبانی اخلاق استوار می‌باشد و تعیین‌کننده رفتارهایی است که در قالب اصول و قواعد اخلاقی بیان می‌شوند. اصول و قواعد اخلاقی مانند چراغی مسیر و محدوده کار و وظایف صاحبان حرفه را روشن می‌کنند (رحمانی، ۱۳۹۲). معلمی یکی از حرفه‌های مهم و مورد نیاز جامعه است و وظیفه اصلی معلم تربیت دانش‌آموزان می‌باشد که رشد آنها را در همه جنبه‌ها و ابعاد را در برمی‌گیرد. بخشی از حرفه معلمی جنبه اخلاقی دارد و تحقق مسئولیت‌های تربیتی معلم نیازمند پایبندی او به اصول و قواعد اخلاق حرفه‌ای معلمی است. هشت اصل اخلاقی مربوط به ارتباط معلم با دانش‌آموزان از متون دینی و تربیتی اسلام استنتاج شدند که عبارتند از: صداقت و درستکاری، تواضع و فروتنی، آسیب نرساندن، عفت پیشگی و پاکدامنی، تکریم دانش‌آموزان، عدالت و انصاف، وفاداری به تعهدات حرفه‌ای و احسان و نیکوکاری. سپس قواعد اخلاقی مربوط به هر یک از این اصول از متون معتبر اسلامی و آثار اخلاقی و تربیتی سایر اندیشمندان استنتاج شدند (صفایی مقدم، رحمانی، پاک سرشت، مرعشی، ۱۳۹۵). همچنین ایمانی پور (۱۳۹۱)، طی پژوهشی با عنوان اصول اخلاق به این نتایج دست یافت که بر اساس مبانی اخلاق حرفه‌ای معلمی، یک استاد در دو بعد باید خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی بداند؛ اول، به جهت جایگاه تأثیرگذاری که بر رفتار و افکار فراگیران دارد، باید خود را آراسته به

فضایل اخلاقی نماید و بداند موثرترین روش در انتقال ارزش‌های اخلاقی مثبت، آشکار شدن آنها در رفتار واقعی مدرس است. دوم، به جهت وظیفه‌ای که در قبال برآوردن نیازهای آموزشی یادگیرندگان دارد، باید با رعایت حداکثری اصول اخلاقی در انجام وظایف حرفه‌ای، مسؤولیت‌های آموزشی خود را به بهترین نحو به انجام رساند.

اصل ۴: حفظ و ارتقای کرامت انسانی

به مقتضای این اصل، فعالیت‌های تربیتی باید به نحوی جریان یابد که حرمت و کرامت کسی، اعم از شاگرد، معلم و سایر افراد دخیل در امر تربیت نادیده گرفته نشود و مراعات گردد. خصایص جانبی انسان‌ها چون نژاد، زبان، برخورداری، محرومیت، زشتی و زیبایی و نظیر آن هیچ یک معیار کرامت آدمی نیست بلکه انسان به صرف عنوان انسان بودن از این منزلت برخوردار است (باقری، ۱۳۸۸). بر اساس مبانی انسان‌شناختی اخلاق اسلامی؛ وابسته و نیازمند بودن انسان‌ها به یکدیگر، کرامت انسانی و اختیار و آزادی انسان قابل توجه است. این مبانی نوع رفتار انسان‌ها به ویژه صاحبان حرفه را نسبت به سایر انسان‌ها تبیین و توجیه می‌کنند (صفایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵). البته اصل کرامت یکی از مواردی است که اسلام نیز به آن توجه خاصی داشته است. قرآن کریم می‌فرماید: ((بنی آدم، ما فرزندان آدم را کرامت و ارزش بخشیدیم)) این آیه نشان از اهمیت و اصل اخلاقی دارد (دهقان و همکاران، ۱۳۹۴).

اصل ۵: تامین آزاد منشی

از آنجا که نقشه وجودی انسان در ساحت دین مبین اسلام جامع و کامل است او را به مرتبه‌ای برتر یعنی کسب آزادی حقیقی یا به تعبیر رساتر آزادی دعوت کرده و نخستین مرحله این آزادی را در رهایی اراده آدمی از وابستگی به شهوات و تمایلات نفسانی دانسته است (آزادگی اخلاقی). دستیابی به انواع آزادی‌های فردی و اجتماعی و بویژه آزادی از تقلید کورکورانه از افکار غلط و هنجارهای غالب (آزادی فکری و فرهنگی). مصداق‌های دیگر آزادی حقیقی انسان است (صادق زاده و همکاران، ۱۳۸۷، به نقل از

حکیم زاده، ۱۳۸۷). اصل تامین آزاد منشی بیانگر قاعده‌ای تجویزی است که طبق آن فعالیت‌های جاری در تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای تنظیم گردد که فرد منشی آزاد بیابد و از شخصیتی مستقل برخوردار گردد. این آزاد منشی و استقلال شخصیت در دو حوزه روانی و اجتماعی، مورد نظر است. تامین این آزادی، مستلزم آن است که فرد هم بر امیال درونی خود مسلط گردد و هم از وابستگی به دیگران و پذیرش سلطه آنان سر باز زند (خالقی نژاد و ملکی، ۱۳۹۳).

اصل ۶: برقراری عدالت تربیتی

عدالت از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است؛ از اینرو، یکی از حوزه‌های مهم نظریه پردازی مباحث و مسائل فلسفه اخلاق در مورد عدالت می‌باشد (پور عزت، سلیمی، واعظی، ۱۳۹۳). به معنای رعایت حق و حقوق افراد است و برابری به معنای نفی هرگونه تبعیض و توجه به برابری شأن انسانی است نه به معنای بهره‌مندی برابر بدون در نظر گرفتن ویژگیها و اوضاع متفاوت انسانی است (بناهان، ۱۳۹۳). باید توجه داشت در اصل عدالت دو عنصر اساسی آن را برابری و نابرابری تشکیل می‌دهد. عنصر برابری، مانع از تبعیض نارواست. با فرض این که برابری در شرایط فراهم گردد، عنصر دوم، یعنی نابرابری، می‌تواند همچنان وجود داشته باشد. این نابرابری، زمینه‌ساز توجه به تفاوت‌هاست؛ تفاوت‌هایی که بطور عمده ناشی از تلاش‌های متفاوت افراد است. اصل عدالت ورزی بیانگر آن است که نمی‌توان رابطه‌ی تربیتی را با افراد مختلف یا با فردی، در مراحل مختلف زندگی‌اش، یکسان در نظر گرفت؛ بلکه باید این رابطه به صورت موازنه تنظیم شود. شناخت تفاوت‌های فردی و رعایت آن در آموزش، یکی از روش‌های مهم در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش است (پور عزت و همکاران، ۱۳۹۳).

اصل ۷: فضل

این اصل بیانگر آن است که باید در جریان تعلیم و تربیت، فعالیت‌ها باید بر اساس فضل شکل گیرد. فضل، بر اساس استحقاق انجام نمی‌شود و معیار آن نه محاسبه و اندازه-

گیری بلکه مهر و عطوفت از سویی و نیاز و فقدان از سویی دیگر است. هرچند این نیاز و فقدان از کاهلی فرد بوجود آمده باشد. این مبنا حاکی از این واقعیت در مورد انسان است که عفو نسبت به خطاهای وی و آشکار ساختن علائم قبول، به هنگام پشیمانی و اظهار عذر توسط وی جذبه‌ای نیرومند در تغییر حالات وی خواهد داشت (خالقی نژاد و ملکی، ۱۳۹۳).

اصل ۸: اعتلای ذائقه زیبایی

در جایگاه هنر و زیبایی شناسی طرح کلیات آموزش و پرورش گرایش فطری انسان به زیبایی و کمال تایید شده‌است و بیان شده که ذوق هنری از مواهبی است که حیات فردی و اجتماعی را دلپذیر کرده است و در اسلام نیز به آن تاکید شده‌است. به این منظور برنامه‌ریزی برای تربیت ذوق هنری و استفاده از آن در اجرای برنامه‌های تربیتی و آموزشی یکی از وظایف مهم آموزش و پرورش است (خالقی نژاد و ملکی، ۱۳۹۳). شناخت ترکیب‌ها و انواع توازن میان اجزای مختلف اشیاء و رنگ‌ها، ذائقه زیبایی را قوت خواهد بخشید. باید در دانش‌آموزان ذائقه زیبایی شناختی به گونه‌ای اعتلا یابد که وقتی چیزی از زیبایی کمتری هم برخوردار است اما در جهت خیر قرار دارد را بتواند برگزیند (خالقی نژاد و ملکی، ۱۳۹۳). این مبنا ناظر به واقعیتی است حاکی از آن که ملازمت زیبایی و خیر، زمینه آن را فراهم می‌آورد که گرایش فرد به زیبایی، با تمایل به خیر نیز همراه گردد و به این ترتیب، اعتلایی در گرایش به زیبایی حاصل شود.

ارزشیابی

در روش خبرگی و نقادی آیزنر پس از توصیف و بیان خام داده‌ها و تفسیر و قالب‌بندی آنها نوبت به مرحله ارزشیابی می‌رسد. در این مرحله محققین باید به داوری پرداخته و چارچوب و معیارهای مورد استفاده را مورد بررسی قرار می‌دهند (آیزنر، ۱۹۷۹).
باتوجه به اصول‌های ارزش‌شناسی که (باقری، ۱۳۸۸) بیان نموده‌است و گذری بر اتفاقات داخل کلاس و مدرسه می‌توان دریافت که معلمان بطور کلی توجه خاصی به

آموزش ارزش‌ها ندارند حتی در وهله‌ی اول خود در معنی ارزش تردید داشتند و پس از تفسیر معنای ارزش آن‌ها به نکاتی اشاره کردند که سر کلاس تاکید می‌کردند. اما این آموزش بدون استفاده از روشی مطلوب است. در این مرحله دانش‌آموز ارزش‌ها را با توضیح و روش صحیح آموزشی فرامی‌گیرد که بتواند بخوبی ارزیابی کند. این در حالی است که روش آموزش با توهین و پرخاشگری و کنایه کمترین اثر را دارد شاید بتوان اظهار کرد یکی از دلایل عدم تاثیر آموزش ارزش همین مورد است.

در نظر گرفتن آنکه ارزش‌ها در دین اسلام از منزلت یکسانی برخوردار نیست (باقری، ۱۳۸۹ و خالقی نژاد و ملکی، ۱۳۹۳)، نشان دهنده مراتب داشتن ارزش‌هاست. زمانی که دانش‌آموز پی به اهمیت سلسله مراتبی بودن امور می‌برد، می‌تواند ارزش‌ها را صحیح دسته‌بندی کند و بتواند در جای مناسب خود بکار گیرد. اما نتایج نشان داد که معلمان اصلاً از وجود این مبنا و اهمیت آن در آموزش بی‌اطلاع هستند و جز در موارد محدودی با تاکید بر روی احترام و ارزش زیاد آن، را به دانش‌آموزان القاء می‌کردند اما اینکه دانش‌آموزان باید بتوانند ارزش‌ها را باهم مقایسه و طبقه‌بندی کنند، کم‌تر دیده شد.

اخلاق حرفه‌ای معلم با توجه به مستندات، جنبه‌های متفاوتی دارد که مشاهده شواهد برآمده از کار معلمین بیانگر آن بود که سعی معلمین بر تعهد به اصول اخلاق حرفه‌ای بوده است و در مواقعی اخلاق حرفه‌ای را از دست می‌دادند که ناشی از شرایط محیطی و خارجی بوده است. با این حال تلاش معلمین بر حفظ و رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در خود و آموزش داشتن اخلاق حرفه‌ای در جایگاه‌های شغلی متفاوت به دانش‌آموزان بوده است.

با در نظر داشتن اصل کرامت انسانی مشخص شد معلمان تا آنجا که فرصت و زمان و کلاس اجازه دهد با تشویق‌های زبانی و نمره‌ای به حفظ و ارتقای کرامت انسانی دانش‌آموز می‌پردازند. در موارد معدودی این کرامت انسانی حفظ نمی‌شد که دلیل آن جمعیت زیاد کلاس و همچنین حجم بسیار زیاد درس دیده شد.

اصل آزاد منشی در این دوره به معنای رهایی از وابستگی‌های مادی و فرامادی انگاشته شده بود. دانش‌آموزان فراگرفته بودند و به یکدیگر می‌بخشیدند اگر اولیاء مانع این آزاد

منشی نمی‌گشتند. همچنین در قسمت‌هایی از فرایند یاددهی-یادگیری نیز معلمان این آزاد منشی را با چند روش خوب مثل حدیث، نمره، تشویق، داستان و یا تجربه‌ی زیسته خود به دانش‌آموزان می‌آموختند.

در مبحث عدالت معلمان می‌پنداشتند که عدالت را رعایت می‌کنند. در صورتی که فراگیران دل‌پری از عدالت معلمان و بطور کلی سیستم‌های آموزشی داشتند. تراکم زیاد و روشن نبودن معیارها برای سنجش و عمل در کلاس باعث ایجاد شبهه شده‌است. تکالیف متناسب با برجسب شاگرد زرننگ و قوی بودن نه میزان استعداد و توانایی فردی؛ تفاوت-های ظاهری و زرننگ بودن و خوب صحبت کردن نیز خود را در عدم عدالت نمایان‌تر می‌کرد.

شواهد بیانگر فضل معلمان بود. معلمان به خوبی خود را به این فضیلت خود را آراسته بودند و با دستی‌گشاده دانش‌آموزان را می‌بخشیدند. منتهی زیبایی شناختی را آنگونه که هر معلم می‌پسندید و برایش مهم جلوه می‌نمود برای دانش‌آموزان تشریح می‌کرد. جالب آن است که دانش‌آموز بدون آنکه علت را بدانند همان کاری را که معلم می‌خواست انجام می‌دادند.

چکیده وضعیت آموزش ارزش‌ها براساس مبانی و اصول ارزش‌شناسی فلسفه جمهوری اسلامی ایران در دوره متوسطه اول با بهره‌گیری از روش خبرگی و نقادی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: وضعیت آموزش ارزش‌ها براساس مبانی و اصول ارزش‌شناسی فلسفه جمهوری اسلامی ایران در دوره متوسطه اول

اصول ارزش‌شناسی	نشانگرهای توصیف	نشانگرهای تفسیر	نشانگرهای ارزشیابی
اعتباریابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها	- استفاده از مثال‌ها با تصاویر	- شناخت بهتر و بیشتر واقعیت‌ها، زمینه لازم برای	- توجهی به آموزش ارزش‌ها وجود نداشت.
- تاکید معلم دینی بر روی حجاب	- بیان نمودن تجربیات زیسته معلم و دانش‌آموز	ساخت ارزش می‌شود. - برای اعتبار دادن به موارد ارزشی باید به بنیاد خیر و خیر بنیادین که همان خداوند	- ندانستن چستی ارزش - آموزش با روش‌های نامناسب

است رجوع کرد.			
درک سلسله مراتبی از ارزش‌ها	-عدم توجه معلمین به سلسله مراتب	-این اصل به ثبات و تغییر در ارزش‌ها مربوط است.	-عدم اطلاع معلمین از این اصل
	-آموزش مراتب اهمیت با تاکید معلم	-ارزش‌ها در دیدگاه اسلامی منزلت یکسانی ندارد.	-عدم توانایی دانش‌آموزان در مقایسه و طبقه‌بندی ارزش‌ها
	-انجام بندی اولویت بندی نهایی توسط دانسته‌های دانش‌آموز	-بازشناسی ارزش‌های متغیر و برنامه‌یختن آن با ارزش‌های ثابت	-تنها توجه به آموزش احترام گذاشتن آن هم فقط با تاکید زیاد بر آن
مهارت و اخلاق حرفه‌ای	-تلاش برای داشتن اخلاق حرفه‌ای	-صداقت و درستکاری، -تواضع و فروتنی، -آسیب نرساندن، -عفت پیشگی و پاکدامنی، -تکریم دانش‌آموزان، -عدالت و انصاف، -وفاداری به تعهدات حرفه‌ای -احسان و نیکوکاری	- سعی معلمین بر تعهد به اصول اخلاق حرفه‌ای بوده است. - معلمین در مواقعی اخلاق حرفه‌ای را از دست می‌دادند که ناشی از شرایط محیطی و خارجی بوده است.
حفظ و ارتقای کرامت،	-تشویق‌های زبانی و نمره‌ای	-فعالیت‌های تربیتی باید به نحوی جریان یابد که حرمت و کرامت کسی، اعم از شاگرد، معلم و سایر افراد دخیل در امر تربیت نادیده گرفته نشود.	- معلمان تا آنجا که فرصت و زمان و کلاس اجازه دهد با تشویق‌های زبانی و نمره‌ای به حفظ و ارتقای کرامت انسانی دانش‌آموز می‌پردازند.
	-دیدن رفتاری خوب و ندیده گرفتن رفتارهای منفی		- کرامت انسانی تنها گاهی به علت تعداد زیاد دانش‌آموز یا حجم درس رعایت نمی‌شد.

<p>-اصل آزاد منشی در این دوره به معنای رهایی از وابستگی‌های مادی و فرا مادی انگاشته شده بود - معلمان این آزاد منشی را با چند روش خوب مثل حدیث، نمره، تشویق، داستان و با تجربه‌ی زیسته خود به دانش‌آموزان می-آموختند</p>	<p>-این آزادی برابر است بار رهایی اراده آدمی از وابستگی به شهوات و تمایلات نفسانی (آزادگی اخلاقی). -انواع آزادی‌های فردی و اجتماعی و بویژه آزادی از تقلید کورکورانه از افکار غلط و هنجارهای غالب (آزادی فکری و فرهنگی).</p>	<p>-شریک شدن وسیله‌ها با یکدیگر - شدن این بخشش‌ها توسط معلم -درحداقل مواقع والدین مانع از بخشش می شوند</p>	<p>تامین آزاد منشی</p>
<p>-تعداد زیاد دانش آموز و روشن نبودن معیارها برای سنجش و عمل در کلاس باعث ایجاد شبه شده‌است. -تکالیف متناسب با برچسب شاگرد زرننگ و قوی بودن نه میزان استعداد و توانایی فردی -تفاوت‌های ظاهری و زرننگ بودن و خوب صحبت کردن نیز خود را در عدم عدالت نمایان تر می‌کرد</p>	<p>- به معنای رعایت حق و حقوق افراد است و برابری به معنای نفی هرگونه تبعیض و توجه به برابری شأن انسانی است نه به معنای بهره‌مندی برابر بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و اوضاع متفاوت انسانی است.</p>	<p>- معیار صحیح برای سنجش عدالت -دادن تکلیف بیشتر به دانش آموز ضعیف -توجه و نگاه کردن به دانش آموز شلوغ یا خیلی عالی -دادن نمره خوب به علت داشتن دید مثبت به دانش آموز و بالعکس</p>	<p>برقراری عدالت تربیتی</p>
<p>- معلمان با دستی گشاده دانش‌آموزان را می‌بخشیدند.</p>	<p>- فعالیت‌ها باید بر اساس فضل شکل گیرد - معیار آن نه محاسبه و اندازه‌گیری بلکه مهر و عطوفت است</p>	<p>-بخشش معلمین در همه موارد -دادن نمره مستمر و مثبت</p>	<p>فضل</p>
<p>-توجه به زیبایی‌ها وابسته به نظر و سلیقه معلم بود. -عدم توجه معلمین به نتیجه کار، که باید در جهت خیر</p>	<p>- شناخت ترکیب‌ها و انواع توازن میان اجزای مختلف اشیاء و رنگ‌ها، ذائقه زیبایی را قوت خواهد بخشید.</p>	<p>-توجه به خط زیبا و استفاده از رنگ‌های متفاوت -توجه به تمیزی کلاس</p>	<p>اعتلای ذائقه زیبایی</p>

بنیادین باشد.	- زیبایی شناختی باید به گونه	-در برخی موارد توجه به
	ای باشد که وقتی چیزی از	انجام کار تا ترکیب
	زیبایی کمتری هم برخوردار	زیبایی و انجام کار
	است اما اگر در جهت خیر	
	قرار دارد را دانش آموز	
	بتواند، برگزیند.	

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و ارزشیابی میزان بکارگیری مبانی و اصول ارزش‌شناسی فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با محوریت کتاب در آمدمی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی به صورت موردی در مدرسه دخترانه دوره متوسطه اول به مصاحبه و مشاهده پیرامون موضوع پرداخته‌است. نتایج حاکی از آن است که معلمان توجه ویژه‌ای برای آموزش ارزش‌ها ندارند و منحصرآ ارزش‌هایی را که مورد توجه و علاقه خود معلم بود؛ را آموزش می‌دادند. بیشتر از نیمی از معلمان توجه‌ای به آموزش مستدل ارزش‌ها از خود نشان نمی‌دادند. می‌توان بیان کرد. بیشتر از نیمی از معلمان ارزش‌ها را که خیلی حساس می‌باشد و باید با روشی صحیح آموزش داد را با استفاده از پرخاشگری، برچسب زدن، توهین و اعطای نمره منفی آموزش می‌دادند.

از لحاظ اخلاق حرفه‌ای معلمان در تلاش حفظ اخلاق حرفه‌ای بودند. در دوره متوسطه اول گویی دانش‌آموزان به علت وابستگی به همسالان به نوعی آزاد منشی و رهایی از تعلقات خود برای دوستان رسیده‌بودند و از طرفی دیگر اگر در کلاس نیز مجال بود معلمان با استفاده از روش‌های صحیح رهایی از وابستگی‌ها را برای دانش‌آموزان تشریح می‌کردند. در کلاس‌ها سعی بر این بود کرامت انسانی حفظ شود اما گویی تراکم دانش‌آموز در کلاس مانع از رعایت کرامت انسانی و عدالت می‌شود. این در حالی است که فضل بسیار در کلاس‌ها از سمت معلم دیده شد و در موارد خاصی زیبایی شناختی برای معلمان و دانش‌آموزان مهم جلوه می‌نمود.

این پژوهش از حیث روش و نوع پژوهش منحصر به فرد می‌باشد. لذا با تعداد پژوهش معدودی اشتراکاتی دارد که بیان می‌شود. به نظر می‌رسد نتایج نامساعد آموزش ارزش‌ها تنها محدود به تحقیق حاضر نمی‌شود به گونه‌ای که نوظهوری پهرآباد و رسولی (۱۳۹۱)، به این نتیجه دست یافتند که وضعیت فعلی آموزش ارزش‌ها در کتاب تعلیمات دینی دوره پیش حرفه‌ای از جامعیت و شمول ارزش‌های اسلامی به دور است. نتایج یافته‌های برهانی (۱۳۹۰)، نیز حاکی از این نکته بود که نظام متمرکز آموزشی حاکم بر آموزش و پرورش، برنامه‌های درسی سازمان یافته و روش آموزش سخنرانی که حاکم بر مدارس ایران است از جمله موانعی است که اجازه‌ی بهبود مناسبات بین کنشگران تعلیم و تربیت را در آموزش و پرورش نمی‌دهد. همچنین نتایج تحقیق حاضر همسو با نتایج نظری تحقیق میر صالحی و شاهدی (۱۳۹۶)، می‌باشد که اثر بخشی آموزش ارزش را با روش قصه گویی روشن نمودند. نتایج بدست آمده از نوشتار حاضر، نتایج تحقق ملکی پور و همکاران (۱۳۹۳)، را نیز تایید می‌کند. نتایجی که ذکر شد به لحاظ نظری با پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

همانطور که از متن و نتایج این پژوهش برآورد می‌شود، غالباً آموزش ارزش‌ها در مدارس بصورت مطلوب نمی‌باشد. ابتدا پیشنهاد می‌شود این پژوهش در مدارس دیگر و نقاط دیگر از کشور نیز انجام شود زیرا انجام پژوهش در یک مدرسه از محدودیت‌های پژوهش می‌باشد. سپس برای تعمیم نتایج پژوهش از روش‌های پیمایشی استفاده شود. همچنین برای بهبود شرایط موجود پیشنهاد می‌شود که روش صحیح آموزش ارزش‌ها را باید طبق روندی مناسب به معلمان آموزش داد و از طرفی آموزش ارزش در برخی از برنامه درسی بصورت مستقیم است که این اثر آموزش را کم‌رنگ می‌کند بنابراین اگر ارزش‌ها بصورت غیر مستقیم در خلال برنامه درسی قرار داده شود؛ اثر بخشی آموزش افزایش می‌یابد. بنابراین انتخاب معیارهای درست انتخاب محتوای آموزش ارزش‌ها، نحوه سازماندهی آن‌ها، جهت آموزش ارزش‌ها ضرورت می‌یابد.

فهرست منابع

- اکبری، مجید و حسینی، سید محمد. (۱۳۸۸). ارزش‌شناسی در فلسفه ارسطو، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آیین معرفت، ۱۲۴-۹۹.
- ایمانی پور، معصومه. (۱۳۹۱). اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش، مجله ایرانی اخلاق و اصول پژشکی، ۵(۶)، ۳۸-۲۵.
- برهانی، پوران. (۱۳۹۰). تبیین مقوله ارتباط (مناسبات) بین کنشگران تعلیم و تربیت (معلمان، دانش‌آموزان و مدیران) در مدارس ایران و ارزشیابی آن براساس نظریه ارتباطی هابرماس (مطالعه موردی مدارس کرمان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- بناهان، مریم. (۱۳۹۴). تبیین مبانی ارزش‌شناسی سند ملی آموزش و پرورش در رویارویی با بحران اخلاقی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۲(۲۳)، ۱۴۸-۱۲۳.
- پور عزت، علی اصغر؛ واعظی، احمد و سلیمی، غلامرضا. (۱۳۹۳). تحلیل و بررسی پیش‌فرض ارزش‌شناختی عدالت‌سازمانی، دو فصلنامه علمی-تخصصی اسلام و مدیریت، ۳(۵)، ۱۲۱-۹۱.
- جرج ف، نلر. (۱۳۷۷). آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فریدون بازرگان، تهران: سمت.
- حسینی، محمد. (۱۳۸۳). بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳۴(۲)، ۲۲۴-۱۹۹.
- حسین زاده، اکرم. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، کتاب نقد، ۱۱۳، ۴۲-۴۲.
- حکیم زاده، رضوان. (۱۳۸۷). بررسی مبانی فلسفی آموزش جهانی و مقایسه آن با مبانی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴(۳)، ۱۰۴-۷۹.

- حیدری ابهری، مریم. (۱۳۸۸). ارزشیابی دانش و مهارت فنون تدریس معلمان شیمی در دبیرستان‌های دخترانه استان زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده تربیت بدنی و علوم تربیتی.
- خالقی نژاد، سید علی و ملکی، حسن. (۱۳۹۳). نقد دیدگاه پدیدارشناسی در برنامه درسی با شاخص‌های مبانی فلسفی تربیت اسلامی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴، ۵۲-۲۷.
- دهقان، داوود؛ مزیدی، محمد؛ شمشیری، بابک؛ رحیمیان، سعید و تقوی، محمد رضا. (۱۳۹۴). ارزش‌شناسی حکمت اشراق و تلویحات آن در اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان و روان‌درمانگران، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۸(۱)، ۳۱-۲۱.
- ربانی، رسول و شهابی، سیامک. (۱۳۸۹). بررسی ارزش‌های اخلاقی جوانان شهری اصفهان. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲(۵)، ۹۲-۷۷.
- صفایی مقدم، مسعود؛ رحمانی، بهالدین؛ پاک سرشت، محمدجعفر و مرعشی، سیدمنصور. (۱۳۹۳). مبانی و اصول اخلاق اسلامی: ارتباط معلم با دانش‌آموزان، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۶(۱)، ۴۵-۲۳.
- فرید، ابوالفضل. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی روش‌های آموزش مستقیم، آموزش شناختی اخلاق، شفاف‌سازی ارزش‌ها، و تلفیقی بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پسرپایه اول دبیرستان ناحیه چهار تبریز، پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۱۴۶، ۳۰-۱۳۰.
- موسی پور، نعمت‌الله و بهزادپور، فرزانه. (۱۳۸۴). ارزشیابی برنامه درسی آزمایش‌های درس فیزیک دوره متوسطه شهر کرمان، مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۹۴-۷۳.
- نصیری، فخرالسادات؛ ایزدی معز، شیرین؛ حسین‌فلاحی، احمد و شمخانی، اژدر. (۱۳۹۰). درونی‌کردن ارزش‌های اسلامی در میان دانش‌آموزان از دیدگاه مریبان تربیتی (مطالعه موردی دبیرستان‌های دخترانه شهر همدان). مهندسی فرهنگی، ۷۴-۵۸.
- نقدی، وحید و تولایی، نوین. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی موثر بر پرورش اخلاقی جوانان برای رعایت انصاف، به منزله هنجار اخلاقی صدرنشین، مسائل اجتماعی ایران، ۴(۲)، ۱۷۹-۱۵۵.

نوظهوری پهرآباد، رامین و رسولی، سمیه (۱۳۹۱). آموزش ارزش‌ها در کتابهای درسی دینی دوره پیش حرفه‌ای: بررسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهایی برای وضعیت مطلوب. فصلنامه ایرانی کودکان استثنایی، ۱۲(۱)، ۶۵-۷۳.

وجدانی، فاطمه؛ ایمانی، محسن؛ اکبریان، رضا و صادق زاده، علیرضا. (۱۳۹۲). ماهیت تربیت اخلاقی از نظر فردی یا جمعی بودن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۱(۱۸)، ۱۱-۲۳.